

مقایسه نقش سیاسی زنان در جوامع غربی و ایرانی

الهام جعفری فر^۱

چکیده

زنان به عنوان نیمی از سرمایه انسانی جوامع، دارای حقوق و جایگاه هستند. یکی از ابعاد این جایگاه به عرصه سیاسی برمی گردد. زنان همانند مردان در سرنوشت سیاسی جامعه خود تأثیرگذار هستند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که غرب در مواجهه با زنان به‌ویژه در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی، با رویکرد ابزاری و تجاری برخورد می‌کند. این امر موجب نادیده گرفتن حقوق عمیق‌تر و انسانی آنان می‌شود. در مقابل جامعه اسلامی ایرانی با در نظر گرفتن حقوق انسانی زنان، تلاش کرده است که فضایی سالم برای مشارکت سیاسی زنان فراهم آورد و زنان نه تنها علیه مردان قرار نگرفتند بلکه مردان را در تحولات سیاسی جامعه حمایت و همراهی کرده‌اند و جایگاه خود را در این میان تثبیت و ارتقا دادند. عمده‌ی تفاوت‌ها در جوامع غربی و ایرانی به خاطر تفاوت دیدگاه و مبانی اندیشمندان و قانون‌گذاران غربی و ایرانی است. هدف از این پژوهش، این است که با مقایسه رویکرد و عملکرد جوامع غربی و ایرانی، کدامیک از این دو جامعه در مورد حفظ و پرورش جایگاه سیاسی و حقوق موفق عمل کرده‌اند و با شناخت صحیح ظرفیت‌ها و استعداد‌های زنان در جهت فراهم‌سازی بستر کمال آنان کوشیده‌اند. این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است.

کلیدواژه: نقش سیاسی، سیاست، زن، جامعه

^۱ - طلبه سطح ۲، حوزه علمیه الغدير، ۱۴۰۳، <mailto:elhamjafari03@gmail.com>

زنان نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند. آنان بخشی از نیروی بنیادین و محوری جامعه هستند و شخصیت، رفتار، فرهنگ و تفکرات آنان در شکل‌گیری جامعه انسانی نقش مهمی ایفا می‌نماید. مسئله حقوق زنان و نیز جایگاه آنان در جامعه از حیث سیاسی، یکی از مباحث مهمی است که موردبررسی و توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. زنان در نمو، پرورش، آموزش، تربیت و نگاهداری از جامعه نقش بسزایی دارند که خود از مهم‌ترین فعالیت‌های تأثیرگذار فرهنگی-اجتماعی به شمار می‌رود؛ اما نباید این مسئولیت خطیر، مشارکت سیاسی آنان را به حاشیه سوق دهد. مشارکت سیاسی زنان لازمه توسعه اجتماعی پایدار در جامعه می‌باشد. آنچه حائز اهمیت می‌باشد این است که کدام مشی فکری به نحو احسن این بستر را برای زنان فراهم نموده است. جوامع غربی با شعار آزادی و برابری جنسیتی برای زنان و در مقابل جامعه ایرانی، به‌عنوان یک جامعه تراز اسلامی با شعار عزت بخشی به هویت زنان که برگرفته از فرهنگ اسلام است موردقیاس و بررسی قرار گرفته است.

پژوهش‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته است. ازجمله این آثار می‌توان به کتاب «جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد» برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری که در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است؛ اشاره نمود. در این کتاب به بررسی اهمیت و ریشه‌یابی مسائل زن در فرهنگ غرب و جایگاه زن در اندیشه‌های اسلامی پرداخته شده است. «کتاب زن از دیدگاه اسلام و فمینیسم» نوشته مسلم محمدی که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. در این کتاب به جایگاه زنان پیش از ظهور فمینیسم و گرایش‌های آن و تحلیل و نقد نظرات آن‌ها و وضعیت زنان در کشورهای غربی پرداخته شده است. مقاله تحلیل نسبت زن و آزادی در اسلام در مقایسه با غرب برگرفته از نظرات مقام معظم رهبری به قلم مریم سعیدیان و سعید یراگی ۱۳۹۴ که به آسیب‌شناسی آزادی زن در فرهنگ غرب پرداخته است. مقاله زنان و مشارکت سیاسی نوشته محمدرضا علم، منا حمیدی نسب و سمیره حزباوی در سال ۱۳۹۰ که به پیشینه حضور سیاسی زنان در ایران پرداخته است.

مقایسه‌ای که در این مقاله صورت گرفته است رویکردی جامعه‌شناسانه دارد و نیز در منابع موجود غالباً دو دیدگاه اسلامی و غربی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند؛ اما در این پژوهش جامعه ایرانی را به‌عنوان یک نمونه فعال از جامعه اسلامی در زمان کنونی در نظر گرفته است و بررسی بعد سیاسی به‌طور اختصاصی در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد چراکه اکثراً همه ابعاد مربوط به جایگاه و حقوق زنان را بررسی نموده‌اند.

۱. مفهوم شناسی

در این پژوهش واژه‌های سیاست، زن، جامعه و مشارکت مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۱-۱. سیاست

سیاست در لغت به معنای حفاظت، نگاهداری، حراست.^۱ همچنین در معنای حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، ریاست کردن، حکم‌داری،^۲ مراقبت امور داخلی و خارجی کشور، اصلاح امور خلق، رعیت‌داری، مردم‌داری^۳ نیز آمده است. واژه سیاست، در اصطلاح علم سیاست، به معنای گوناگونی به کاررفته است. برخی از این تعاریف، عبارت است از: «فن کشورداری و کسب قدرت اجتماعی»^۴؛ قدرت و فن کسب، توزیع و حفظ آن^۵؛ «علم حکومت به کشورها»^۶ و «فن و عمل حکومت بر جوامع انسانی»^۷ واژه سیاسی: منسوب و مربوط به سیاست؛ و کسی که به کارهای سیاسی پردازد و سیاست را پیشه خود سازد.^۸ نقش سیاسی یکی از ابعاد کنشگری مؤثر بر حضور افراد در بستر زندگی اجتماعی می‌باشد.^۹

۱-۲. زن

واژه «زن» در لغات فارسی نقیض مرد می‌باشد. مادینه‌ی انسان^{۱۰}، جفت مرد^{۱۱}، دختری که دوران بلوغ و نوجوانی خود را تمام کرده (پس از ۱۸ سالگی) را زن گویند. واژه دختر برای انسان نابالغ ماده و فرزند ماده و گاهی در زبان عامیانه برای زنان جوان به کار برده می‌شود.

^۱ - آبادیس، دهخدا، ذیل واژه سیاست

^۲ - معین، فرهنگ معین، تک جلدی، ص ۹۰۲

^۳ - عمید، فرهنگ عمید، ج ۲، صص ۶۷۶-۶۷۷

^۴ - عنایت، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۱۹

^۵ - حشمت زاده، مسائل اساسی علم سیاست، ص ۵۷.

^۶ - ر. ک: دو ورژ، موریس، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، ص ۱۷

^۷ - همان، رشاد، علی اکبر، «امام علی و سیاست»، دانشنامه امام علی، ج ۶، ص ۱۲.

^۸ - عمید، فرهنگ لغت عمید، ج ۲، ص ۶۷۷

^۹ - معین، فرهنگ معین، ص ۹۰۳

^{۱۰} - دهخدا، فرهنگ لغات دهخدا، ج ۹، ص ۱۲۹۳۷

^{۱۱} - عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۱۱۴

در فارسی واژه‌های «بانو»، «خانم» و در قدیم «خاتون» برای اشاره محترمانه به زن کاربرد دارند. همچنین واژه زن یک نام همگانی برای اشاره به انسان ماده است؛ مانند «حقوق زنان». به‌طور معمول یک زن توانایی بارداری و زایش دارد. به زن دارای فرزند مادر گویند.^۱ به زن در آغاز حاملگی، زن گفته می‌شود.^۲

۱-۳. جامعه

جامعه مؤنث جامع؛ گروه مردم یک شهر، یک کشور، جهان یا صنفی از مردم،^۳ توده مردم، گروهی از مردم که باهم وجه اشتراک داشته باشند.^۴

«لفظ جامعه» در لغت، اسم فاعل مؤنث از مصدر «جَمَع» به معنای گرد کردن، گرد هم آوردن، فراهم کردن یا فراهم آوردن و برهم افزودن است؛ و بنابراین، به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده یا آورنده، برهم افزاینده و دربرگیرنده خواهد بود. این واژه «عرفاً» به معنای «گروه» و علی‌الخصوص «گروهی از انسان‌ها» به کار می‌رود، خواه آن گروه از مردم که در یک روستا یا دهکده یا شهر یا استان و یا کشور زندگی می‌کنند، به‌طور مثال «جامعه ایرانی» و خواه آن گروه از مردم که دارای یک دین یا مذهب هستند مثلاً «جامعه مسیحیان» و خواه گروهی که حرفه و شغل واحدی دارند مانند «جامعه معلمان» و خواه همه‌ی انسان‌هایی که بر روی زمین به سر می‌برند مثلاً «جامعه بشری یا جامعه بشریت».^۵

مفهوم اصطلاحی جامعه «مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و آداب و سنن و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهد». منظور از زندگی انسان به‌صورت دسته‌جمعی و اجتماعی یعنی اینکه دارای ماهیت اجتماعی هستند. یک‌طرف نیازها، کارها و فعالیت‌ها، ماهیت اجتماعی دارند که جز با تقسیم کارها و برطرف کردن نیازها با توجه به قوانین و

^۱ - معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۷۸۸

^۲ - ابن درید، جمهره اللغة، ج ۲، ص ۱۱۰۵

^۳ - معین، فرهنگ معین ص ۵۲۱

^۴ - عمید، فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۳۹۲

^۵ - مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۱

^۶ - مرتضی مطهری، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (جامعه و تاریخ)، ص ۳۱۳

نظام‌های خاصی امکان‌پذیر نیست. به‌طور کلی می‌توان گفت: که جامعه شامل جمع کثیری از انسان‌ها می‌باشد که به خاطر یک سلسله‌ای از نیازها و خواسته‌های خود و تحت نفوذ یک سلسله از عقاید و تفکرات و آرمان‌ها در هم ادغام‌شده و یک زندگی مشترکی دارند.^۱

۱-۴. مشارکت

مشارکت از نظر لغوی به معنای «شرکت داشتن یا درگیر بودن دوجانبه و متقابل افراد برای انجام امری خاص» است.^۲ می‌توان گفت «مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و بدون تعصب است که در جهت معنا دادن به عمل و حرکت اجتماعی شکل می‌گیرد و با شرکت دادن اشخاص در فعالیت‌های گروهی تحقق می‌یابد».^۳

۲. دیدگاه جوامع غربی و ایرانی نسبت به جایگاه زنان

از دیرباز در فلسفه و فرهنگ سیاسی غرب، گرایشی فراگیر در بی‌توجهی به حقوق زنان وجود داشته است. باوجود این غفلت عمومی چند تن از مهم‌ترین فیلسوفان سیاسی غربی به مسئله زن توجه کردند که از جمله آن‌ها می‌توان به افلاطون، ارسطو و ژان ژاک روسو اشاره کرد.

۲-۱. دیدگاه غیر اسلامی

زن در دستگاه فکری ارسطو مشخصه‌هایی چون پستی، نقص، عدم قابلیت را داراست به عبارت روشن‌تر مرد در تمام مراحل نقش فاعل و مؤثر را ایفا می‌کند درحالی‌که زن دارای نقش انفعالی است ارسطو زن را به‌عنوان موجود درجه دوم می‌داند^۴

همچنین روسو با تائید اصل پریکلس سیاستمدار آتنی مبنی بر اینکه یک زن خوب همواره باید سکوت اختیار کند نظریه ارسطو را از زبان او چنین نقل می‌کند که همان‌گونه که فیلسوفان قدیم (افلاطون و ارسطو) گفته‌اند زن مجرد باید خود را با جنبه زندگی خانگی تطبیق دهد و در خانه بماند و هنگامی‌که این فضا به او تعلق گرفت (شوهر کرد) باید تحت قوانین مسلط مرد خود زندگی را ادامه

^۱ - بروس کوهن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۵۹

^۲ - غفاری، جامعه‌شناسی مشارکت، ص ۱۲

^۳ - مسعود نیا و همکاران: «مطالعه تطبیقی حضور زن در قوه مقننه: تحولات بعد از انقلاب اسلامی ایران»، ش ۵۷۷

^۴ - سوزان مولیر آکین، زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، صص ۱۲۱ - ۱۳۶

در کشورهای غربی از زنان به خاطر سهم آن‌ها در مقاومت در برابر فاشیسم و تولید تجلیل به عمل آمد. وزیر کار انگلستان در دسامبر ۱۹۴۵ اعلام داشت زنان در طول جنگ کاری بس سترگ و شایان تحسین انجام دادند و امروز هم به همان اندازه به آن‌ها نیاز داریم با این‌همه زنان را به خانه فرستادند تا جایی برای مردان از جنگ برگشته باز شود. زنان نیز مجبور به پذیرش مزد کمتری از مردان شدند تا بتوانند شغل خود را حفظ کنند.^۱

برابری جنسیتی و آزادی از اصول بنیادین در جوامع غربی است که به زنان و مردان حقوق و فرصت برابر اعطا کرده است و این مسئله در قوانین و ضوابط بسیاری از کشورهای غربی اهمیت خاصی دارد. متأسفانه زنان در جوامع غربی آن‌طور که شایسته است حق مشارکت و تأثیرگذاری در امور سیاسی جوامع خود را ندارند و غالباً سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها توسط مردان صورت می‌گیرد و زنان نتوانستند کرسی‌های سیاسی خود را در طول این دوران افزایش چشمگیری دهند. مشکل غرب این است که روی کمال زن کار نمی‌کند این امر مستلزم تلاش فرهنگی است چراکه انتصاب چند زن به عناوین دولتی هدف اصلی نیست بلکه هدف اصلی کرامت بخشیدن به زن است.^۲ گرچه هردو دیدگاه بر اهمیت حقوق زنان تأکید می‌ورزد؛ اما طریقه اجرای این حقوق و فرصت‌ها متفاوت می‌باشد و جامعه ایرانی با تأکید بر ارزش‌ها و حقوق زنان در عرصه سیاسی بر حفظ این شئون می‌کوشد چراکه مبنای پیشبرد این اهداف آموزه‌های اسلامی است و دین اسلام زنان را در ورود به این عرصه به‌عنوان تکلیف دینی فرامی‌خواند و بینش اسلام ناقدی تر و نافع تر است.^۳ و نیاز به آزمون و خطا ندارد.

^۱ - میشل، آندره، جنبش زنان، ترجمه: دکتر هما زنجانی زاده، ص ۱۱۲

^۲ - ر.ک کتاب نقش و رسالت زن، جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد ص. ۷۰-۷۱؛ برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری انتشارات انقلاب اسلامی

^۳ - بانکی پور، جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد، ص ۹۰

نتیجه‌گیری

این حقیقت بر هیچ‌کس پوشیده نیست که زنان به‌عنوان نیمی از سرمایه انسانی جوامع، همواره نقش کلیدی و تأثیرگذاری در تحولات سیاسی جوامع داشته‌اند؛ اما آنچه حائز اهمیت است نحوه برخورد، تکریم و پرورش دادن این جایگاه و مشارکت است. در مقایسه دو جامعه ایرانی و غربی با دو رویکرد و عملکرد متفاوت، نتایج حاکی از موفقیت جامعه ایرانی در حمایت و بسترسازی قانونی برای حضور سیاسی زنان در جامعه است و این امر در پرتو اجرای قوانین اسلام محقق شده است چراکه اسلام به تمام ظرفیت‌ها و حقوق زنان واقف است و سیاست‌گذاری بر ریل این بینش، جامعه ایرانی را در مسیر پیشرفت در این عرصه هدایت کرده است و بدین سبب زنان ایرانی در طول تاریخ توانستند با رعایت حدود و شئون دینی بر سرنوشت سیاسی جامعه خود تأثیر بسزایی بگذارند و جایگاه خود را در فضایی امن، تثبیت و نیز ارتقا دهند. زنان ایرانی نه تنها به رقابت با مردان نپرداختن بلکه با حفظ جایگاه خود مردان را در مسیر تحولات سیاسی حمایت، تشویق و همراهی کردند و جنس زن و مرد در جامعه ایرانی بر علیه یکدیگر قرار نگرفتند؛ اما در جوامع غربی باوجود اصل برابری جنسیتی و فرصت برابر و فعالیت نهادهای مدافع حقوق زنان، بازهم در تزامن با مردان موفقیت لازم را کسب نکردند و هم چنان باید برای کسب حقوق خود مبارزه کنند بعلاوه اختلافات طبقاتی و نژادی نیز مازاد بر مشکلات دیرینه آنان است؛ و زنان از هدف اصلی خود که همان رسیدن به تکامل و رشد انسانی است دور شدند و وارد رقابتی نابرابر و خصمانه با مردان شدند که برای کسب هر دستاوردی با یکدیگر می‌جنگند.

همچنین در فرهنگ غرب زن به‌عنوان یک موجودی که مورد انتفاع مرد باید قرار بگیرد؛ دیده می‌شود. لذا در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش استفاده کند. این مسئله موجب اهانت به حقوق انسانی زنان شده است؛ و هر آنچه غرب در مورد اهمیت دادن به جایگاه زن بیان می‌کند در حد شعار باقی مانده است و چیزی جز ظاهری فریبنده نیست. چراکه به‌درستی حقوق سیاسی زنان را به رسمیت نشناخته است.

فهرست منابع

✽قرآن

منابع فارسی

۱. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهره اللغة*، بیروت، دارا لعلم للملایین، چ ۱، ۱۹۸۸ م.
۲. اسنایدر، آلیسون، *تاریخ جدید حق رأی: حق رأی از دیدگاه بین‌المللی*، قطب‌نما تاریخ، ۲۰۱۰ م.
۳. بانکی‌پور فرد، امیرحسین، *جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدّد*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴ هـ.ش.
۴. بروس کوهن، *مبانی جامعه‌شناسی*، مترجم غلام عباس توسلی، رضا فاضل، تهران: نشر سیمیا، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۵. بشیریه، حسین، *جامعه‌شناسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۰ هـ.ش.
۶. حشمت زاده، محمدباقر، *مسائل اساسی علم سیاست*، نشریه روان‌شناسی فرهنگی زن (زن و فرهنگ)، شماره ۱۵، دوره ۴، صص ۵۹-۶۹، ۱۳۹۲ هـ.ش.
۷. دوورژه، موریس، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۸. رشاد، علی‌اکبر، *دانشنامه امام علی علیه‌السلام ج ۶ سیاست*، تهران: دانش و اندیشه، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۹. ریتزر، جورج، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه: احمدرضا غروی زاده، تهران: ماجد، ۱۳۹۱ هـ.ش.
۱۰. سانا ساریان، الیزا، *جنبش حقوق زنان در ایران*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۱۱. عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۱۲. عنایت، حمید، *بنیاد فلسفه سیاسی در غرب*، تهران: انتشارات نگاه، ۱۴۰۲ هـ.ش.

۱۳. غفاری، غلامرضا، *جامعه‌شناسی مشارکت*، تهران: نشر نزدیک، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۱۴. قوام، عبدالعلی، *توسعه سیاسی و تحول اداری*، تهران: قومس، ۱۳۹۱ هـ.ش.
۱۵. لیندوپ، کریستین، *مستندسازی دموکراسی: قانون اساسی (حق رأی زنان) قانون ۱۸۹۵ (SA) اسناد ملی استرالیا*، آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۸ م.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره»، ۱۳۹۱ هـ.ش.
۱۷. مصفا، نسرين، *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۱۸. مرتضی مطهری، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، قم: صدرا، ۱۳۹۶ هـ.ش.
۱۹. _____، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، قم: صدرا، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۲۰. _____، *نظام حقوق زن در اسلام*، قم: صدرا، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۲۱. مولیر آکین، سوزان، *زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب*، ترجمه و تألیف ن. نوری زاده، انتشارات قصیده‌سرا ۱۳۸۳ هـ.ش.
۲۲. موسوی الخمينی، روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره؛ معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: انتشارات نامن، چ ۱، ۱۳۸۵ هـ.ش
۲۳. میشل، آندره، *جنبش زنان*، ترجمه: دکتر هما زنجانی زاده، تهران: نشر نیکا، ۱۳۸۳ هـ.ش.

منابع لاتین

24. *Votes for Women Electoral Commission*". Elections New Zealand. 13 April 2005. Archived from the original.
25. *Women and the right to vote in Australia*". Australian Electoral Commission. 28 January 2011. Retrieved.

مقالات

۲۶. ذاکری، زهرا، طیبیه اطهری، سمیه عباسیان نژاد، «*تحلیل بررسی جایگاه زنان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن*»، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی سال اول شماره یک، ۱۳۹۸ هـ.ش.

۲۷. جلالی، محمد، موسوی، سیده فاطمه، «حقوق سیاسی زنان از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۲ هـ.ش.

۲۸. دارا، جلیل، صادقی، الهه، «عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت سیاسی زنان؛ با تأکید بر تعداد وزرای زن در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران»، نشریه دانش سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۲، صفحه ۳۷۷-۴۰۰، ۱۴۰۱ هـ.ش.

۲۹. سریع القلم، محمود، «اصول ثابت توسعه سیاسی»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۵۵-۵۶، ۱۳۷۱ هـ.ش.

۳۰. صدیقی، مرضیه، «نگاهی به روند جهانی جنبش زنان و موقعیت زن»، مطالعات زنان، شماره ۱۲، ۱۳۷۸ هـ.ش.

۳۱. شاهسون، پری‌چهر، «بررسی مقایسه‌ای مشارکت زنان»، فصلنامه سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۴-۱۶۳، ۱۳۸۹ هـ.ش.

۳۲. شکوری، ابوالفضل، «زندگینامه بانوی مجتهد آیت‌الله سیده نصرت امین اصفهانی»، شماره ۷، ۱۳۸۴ هـ.ش.

۳۳. مرتضوی، خدایار پاکزاد، شهین دخت، «زبان، زنان و دوگانگی گفتمانی در اندیشه سیاسی روسو»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۱، ۱۳۹۵ هـ.ش.

۳۴. مسعود نیا، حسین. نظری، مینا. محمدی فر، نجات، «مطالعه تطبیقی حضور زن در قوه مقننه: تحولات بعد از انقلاب اسلامی ایران»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۵۷۷، ۱۳۹۲ هـ.ش.

سایتها

۳۵. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان، ۱۳۷۹/۳/۶

۳۶. خبرگزاری کیهان کد خبر: ۱۷۲۶۳۵ و ۱۲۹۰۸۰

۳۷. سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۷/۱۲/۱۳۹۶؛ farsi.Khamenei.ir

۳۸. فاطمه محمدی، زنان و مشارکت سیاسی در ایران و جهان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح -

IPSC، 1403